

نقد کتاب جناح‌های سیاسی در ایران امروز

آقای دکتر دهشیری و دکتر جلالی

- فصلنامه: ضمن تشکر از جناب آقای دکتر دهشیری و آقای دکتر جلالی جهت حضور در این جلسه، برای شروع بحث تقاضا می‌شود کلیاتی درباره محتوای اثر از باب معرفی کتاب، بیان بفرمایید.
- دکتر دهشیری: در مقام معرفی اثر من به چند محور کلی که مهمتر هستند، اشاره می‌نمایم. مقدمه کتاب را آقای دکتر صادق زیباکلام نوشته‌اند که به بررسی کلی دیدگاه‌های مختلف راجع به جناح‌بندی در ایران اختصاص دارد. از حیث محتوایی این مقدمه نقد نامه‌ای بر جناح راست تلقی می‌شود که سختی با کارهای علمی‌ای از قبیل اثر حاضر ندارد. پس از این مقدمه مؤلف با تمییز شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به بررسی مواضع احزاب، گروه‌ها و جناح‌های مختلف در ایران پرداخته و عموماً مواضع جامعه روحانیت میارز تهران، مجمع روحانیون مبارز،
- کارگزاران سازندگی، جمعیت دفاع از ارزش‌ها، انصار حزب الله و پیام دانشجو را با دقت نظر به بحث می‌گذارد.
- فرضیه اصلی مؤلف را این مطلب تشکیل می‌دهد که گروه‌های سیاسی در ایران در موضع‌گیری‌هایشان انسجام لازم را ندارند. بدین معنی که با رجوع به مواضع مختلف آنان در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد معلوم می‌شود که بین این سه حوزه هماهنگی لازم وجود ندارد و هر گروه بنا به اقتضات جامعه در حوزه‌های فوق رویکردهای خاصی را برگرفته‌اند که ضرورتاً با سایر مواضع‌شان در ارتباط نیست. به نظر می‌رسد که کلیت فوق برای شروع مباحث انتقادی کافی باشد.

● فصلنامه: جناب آقای دکتر جلالی با عنایت به تازه بودن موضوع اثر حاضر، وجود کاستی‌های روشی و محتوایی، بسیار طبیعی می‌نماید. به همین خاطر با اجازه جناب عالی مستقیماً وارد اصل مطلب شده، بررسی اثر حاضر را با نقد اصول روشی کتاب آغاز می‌کنیم.

- دکتر جلالی: به نظر بنده، ده اشکال یا نقیصه متدلوزیک در کتاب "جناح‌های سیاسی در ایران امروز" وجود دارد که عبارتند از:
 - ۱- فقدان یک چارچوب نظری و بیستر تئوریک.
 - ۲- علیرغم تلاش نویسنده جهت علمی جلوه دادن کار، صبغه ژورنالیستی آن

بسیار غلیظ می‌باشد.

۳- ضعف چارچوب نظری فقرتحلیل را در پی آورده است.

۴- فلسفه سؤال اصلی تحقیق مبرهن نیست. نویسنده با طرح این سؤال بدنبال چه هدفی روان است؟ آیا تلازم بین دیدگاههای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطلوب است. چرا؟ و ارتباط این تلازم با تأثیرگذاری آن بر فعالیت سیاسی و تحولات سیاسی چیست؟

۵- برخی از مفاهیم، واژه‌ها و گزاره‌ها دچار ابهام می‌باشد و نیازمند آن است که نویسنده برداشت خود را بیان کند. مفهوم جناح و گروه (که در جای دیگر توضیح بیشتری خواهم داد) و واژه‌هایی همانند فعالیت سیاسی، تحولات سیاسی از این جمله‌اند. اساساً چرا مواضع را به سه بخش تقسیم کرده‌اند و آیا اینها دارای تقدم و تأخر رتبی و یازمانی هستند و یا خیر؟

۶- روش تحقیق را کتابخانه‌ای ذکر کرده و متذکر شده‌اند که در صورت نیاز مصاحبه نیز انجام داده‌اند. گویا ایشان این نیاز را صرفاً در یک مورد احساس کرده‌اند و یک مصاحبه با آقای طبرزدی انجام داده‌اند حال آن که به نظر بنده می‌رسد در موارد دیگری نیز مصاحبه ضرورت داشت و می‌توانست بر عمق

۲۳۱ کار بیفزاید ضمن این که اگر متن کامل مصاحبه با آقای طبرزدی در پایان کتاب می‌آمد بسیار بهتر بود تا خواننده بر نحوه گزینش مطالب بوسیله نویسنده اشراف پیدا کند.

۷- در ضرورت تحقیق متذکر شده‌اند که تاکنون در خصوص جناح‌بندیها در جمهوری اسلامی جز چند مقاله، کاری انجام نشده است و در ادامه آورده‌اند که در این مقالات نویسندگان برداشت خود را از دیدگاههای جناحها مطرح کرده‌اند و کمتر تلاش شده است تا به استناد به منابع آن جناحها، دیدگاههایشان تشریح شود. متأسفانه باید اذعان داشت که تا حدود بسیار زیادی بر نویسنده محترم نیز همین انتقاد وارد است از جمله این که در ذکر مآخذ در پاره‌ای موارد آورده‌اند: «برداشت نگارنده از مجموعه موضوع-گیرهای این جناح است.»

۸- بعضاً از مآخذی استفاده کرده‌اند که قابل خدشه و بسیار ضعیف است؛ مثلاً از بولتن در حکم منبع یاد شده است حال آن که بولتن نمی‌تواند منبع معتبری باشد. اگرچه همان‌گونه که ذکر شد با عنایت به مکتوب نبودن مواضع جناحها طبعاً نویسنده محترم مشکلات زیادی جهت دستیابی به این اطلاعات داشته‌اند که شاید تا حدودی وجود این

نقیصه را توجیه می‌کند.

محصولات فرهنگی حمایت می‌کند. آن‌گاه ذکر کرده‌اند که در بولتن آنان آمده است: «وقتی بحث ضرورت جمع‌آوری آنتنهای ماهواره‌ایی به عنوان یکی از مجاری نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمن مطرح می‌گردد لیبرال‌ها نه تنها از آن دفاع نمی‌کنند بلکه به مقابله نیز برمی‌خیزند.» ارتباط آن ادعا و این مورد استنادی، اساساً مشخص نیست.

لازم به ذکر است که نقاط سابق الذکر با توجه به نبود یک پیشینه تحقیقاتی قوی در این حوزه، طبیعی به نظر می‌رسد و تنها توصیه‌ای که از آن برمی‌آید این است که پژوهشگران بعدی باید در این حوزه ملاحظات بالا را در نظر بگیرند تا از این طریق شاهد انتشار آثاری منسجم‌تر باشیم.

۹- بعضاً موضع یک فرد را به کل یک جناح نسبت داده است. مثلاً جامعه روحانیت مبارز را در سیاست خارجی لیبرالی می‌داند و استناد وی تنها به یک جمله از دکتر محمدجواد لاریجانی است تا در جای دیگری می‌نویسد که جناح جامعه روحانیت مبارز حکومت عدل اسلامی را به جای نظام مبتنی بر جمهوری پیشنهاد می‌کند حال آن‌که این سخن یک فرد بوده که اصلاً اقبالی هم به آن نشان داده نشد.

۱۰- بارها ادعاهایی را مطرح ساخته و آن‌گاه شاهد مثالی را نقل کرده‌اند که با آن ادعا سنخیتی نداشته است؛ مثلاً در جایی آورده‌اند که جامعه روحانیت مبارز تهران از سیاست نظارت قبل از انتشار

● فصلنامه: جناب آقای دکتر دهشیری با عنایت به بکر بودن موضوع اثر حاضر، جناب عالی چه نقاط قوتی برای کتاب قایل هستید؟ ضمناً در خصوص ملاحظات روش‌شناختی چنان چه مطلب خاصی نیز، افزون بر آن چه گفته شد دارید، بفرمایید.

نکته ظریف و درستی است.

۳- جناح‌بندی را به منزله یک واقعیت سیاسی در جوامع عصر حاضر طرح کرده‌اند که این هم نکته تحلیلی مهمی است.

۴- بسیاری از تحلیلهای خرد مؤلف مثل نبود مرامنامه، انسجام و هماهنگی در جناحهای مختلف، صحیح و قابل

● دکتر دهشیری: بنده نیز چند نکته را فهرست وار ذکر می‌نمایم که ناظر بر نقاط قوت اثر هستند:

۱- جسارت نویسنده برای ورود به این موضوع حساس، ستودنی است.

۲- مؤلف، جناحهای سیاسی موجود را یک طیف فکری و یا شبه احزاب تلقی نموده‌اند و نه حزب به معنای تام آن، که

تأیید است.

۵- جداول و نمودارهای ترسیمی در تلخیص و تبیین مسایل بسیار کارآمد و قابل توجه هستند.

اما در خصوص ملاحظات روش-شناختی، بنده یک اصل کلی را عرض می‌نمایم و آن هم این که به خاطر توصیفی بودن اثر، نکات تحلیلی و روش تحلیل چندان رعایت نشده‌اند. از جمله نکات مهمی که در این جا

شایان توجه هستند بنده به یک مورد به اختصار اشاره می‌کنم. اساساً نوع ارتباط بین سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. به عبارت دیگر بین زیرساختهای فکری و رو ساخت فکری تمایزی قایل نشده‌است و همه حوزه‌ها را در یک سطح در نظر گرفته‌اند. همین نقیصه است که کتاب را بیشتر صیغهٔ توصیفی می‌بخشد و امکان تحلیل صحیح را از مؤلف می‌گیرد.

● فصلنامه: موضوع مهم اثر حاضر را «جناح‌بندی»های موجود در کشور ما شکل می‌دهد. با این وجود مؤلف توانسته‌اند از حیث مفهومی چارچوب مشخصی را استوار سازند که در درون آن جناح، حزب، گروه و سایر مفاهیم مشابه معانی خاص خود را بیابند، یا این که شاهد خلط این مفاهیم متفاوت باشیم.

● دکتر جلالی: در مجموع باید گفت که منظور ایشان از جناح به صراحت مشخص نیست و حتی می‌توان گفت دچار تناقض هستند. در جایی می‌نویسند که: منظور از «جناح‌بندی» این است که دربارهٔ مسائل اساسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اختلاف نظرهایی در حاکمیت وجود دارد که در طول زمان باعث شده است تا دیدگاههای نزدیک به هم حول

یک محور گرد آیند. در جای دیگری ضمن مقایسه حزب و جناح می‌نویسند که جناح بیشتر به صورت یک طیف فکری عمل می‌کنند. یعنی در درون آنها می‌توان گرایشهای مختلفی را مشاهده کرد. حال با پذیرش همین توضیحات

می‌توان یک جناح تلقی کرد؟
گویا ایشان بین جناح و گروه فاصله‌ای در تعریف قائل نیستند و به کرات در کتاب نوشته‌اند که جناح انصار حزب الله، جناح کارگزاران، جناح پیام دانشجو و به دفعات نیز نگاهشسته‌اند گروه انصار حزب الله، گروه کارگزاران، گروه پیام دانشجو،

که خود در خصوص مفهوم جناح می دهند به جای بررسی جناحها در ایران به بررسی دیدگاههای چند گروه شناخته شده می پردازند.

همچنین با تعاریفی که بیشتر کرده اند، حتی گروه کارگزاران و جمعیت دفاع از ارزشها را نیز نمی توان جناح تلقی کرد. در مجموع با عنایت به مجموعه توضیحاتی

● فصلنامه: جناب آقای دکتر جلالی، جناب عالی بیان نظری بحث را چگونه می بینید؟ آیا بستر

تنور یک موضوع به نحوه مناسبی طراحی شده تا خواننده را به اصل موضوع رهنمون شود یا خیر؟

حال آن که در این کتاب مشخص نیست نویسنده محترم دارای چه شاخصهایی جهت آزمون فرضیه خود هستند؟ و همان مقدار شاخصهایی را هم که مشخص کرده اند معلوم نیست از کجا به این شاخصها رسیده اند؟ ضمن این که بسیاری از این شاخصها به دلیل دست چنم بودن و یا کم اهمیتی در حکم معیاری برای تعیین نقاط افتراق و یا اشتراک جناحها، قابل اعتنا نیستند.

● دکتر جلالی: به نظر من، مؤلف ابتدا باید به زیرساختهای فکری جناحها می پرداختند تا جغرافیای اختلافات و شکافها مشخص شود و با مشخص شدن این شکافهای مبنایی، اختلافات روبنایی نیز تبیین می شد و بعد از درون چنین تبیین شاخصه های تطبیق بین جناحها استخراج می گردید. آن گاه با عنایت به این شاخصه ها نقاط اشتراک و افتراق جناحها مورد بررسی قرار می گرفت؛

● فصلنامه: جناب آقای دکتر دهشیری مؤلف در این اثر حزب را یک "کل واحد" در نظر گرفته است،

آیا به نظر جناب عالی این توصیف از حزب و گروه می تواند برای ایران صادق باشد یا خیر؟

نگرش "سیاه و سفید" (موافق - مخالف) مجبور به قبول چنین یکسان انگاری بوده اند که نه توجیه نظری و نه تأیید عملی دارد. به نظر بنده عمده تحلیل های خردی که مؤلف به دست می دهد، همین نقیصه را دارد و به همین خاطر است که ارزش تحلیلی اثر چندان زیاد نیست.

● دکتر دهشیری: به نظر بنده یکی از مهمترین نواقص اثر حاضر این است که چنین تلقی ای از جناح و حزب، پذیرفته و بیان شده است. همین امر باعث شده است که از جریانها، طیفها و گسستهای موجود در درون جناحها غافل شده و یک نوع یکسان انگاری را به آنها تحمیل نماید. البته مؤلف به خاطر اتخاذ یک

● فصلنامه: جناب آقای دکتر جلالی در مقام ارزیابی رویکرد مؤلف؛ به نظر شما آیا پیشینه موضوع به نحو مقتضی مورد توجه قرار گرفته است یا این که صرفاً لایه سطحی مقوله جناح‌بندی‌ها مدنظر بوده است؟

یک طبقه‌بندی و یا سنخ‌شناسی جناح‌ها و جریان‌ات را به چند طبقه کلان تقسیم نماید (مثلاً سه جناح) و بعد گروه‌ها و احزاب موجود را در شق‌های چندگانه آن جناح‌ها جستجو نماید. در این صورت هر کدام از گروه‌های انصار حزب الله، پیام دانشجوی، کارگزاران و جمعیت دفاع از ارزش‌ها را یک جناح، تلقی نکرده و اینان را با دو جناح روحانیت و روحانیون مقایسه نمی‌کردند. یعنی در اصل نویسنده دو جناح را با یکدیگر و چند گروه را با آنان مقایسه کرده است؛ اگرچه شاید کارگزاران را منتسب به جناح مشهور به میانه‌رو دانست لیکن کارگزاران بخود، جناح نیست بلکه فقط یک گروه و یا نماینده‌ای از این جناح است.

● دکتر جلالی: نویسنده محترم صرفاً به بررسی مواضع سال‌های ۷۴ تا ۷۶ چند گروه پرداخته‌اند، اگر چه این کار برای شناخت مواضع چند حزب در یک کشور دارای احزاب باثبات می‌تواند انجام شود اما در کشور ما اولاً با عنایت به نبود احزاب سابقه‌دار ثانیاً با عنایت به عنوان کتاب (یعنی جناح‌بندی‌های سیاسی) بهتر بود به سابقه شکل‌گیری جناح‌ها و سیر تحول مواضع آنان در طول بیست سال گذشته پرداخته می‌شد تا جایگاه کنونی آنان قابل درک باشد. به نظر من نویسنده می‌توانست از طرفی با شناخت شکاف‌های فکری و اختلافات سیاسی و اجتماعی و همچنین سیر شکل‌گیری و تحول آن در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی به یک چارچوب نظری دست یازد و نخست با

● فصلنامه: جناب آقای دکتر دهشیری، با عنایت به انتقادات وارده تا به این‌جا، جناب‌عالی شاخص‌های تفکیک جناح‌ها و نحوه عملیاتی کردن آنها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شاخص‌های فکری و بستیادین توجه داشت، همانند شاخص سنت و مدرنیسم، اعتقاد یا عدم اعتقاد به سیستم بازار آزاد و... اما آن چه در این جا آمده ترکیبی از این دو است که کار را قدری مشکل می‌سازد. با توجه به همین کاستی است که مشاهده می‌شود،

● دکتر دهشیری: به نظر بنده در مقام شاخص‌بندی توفیق کامل حاصل نیامده است. نقیصه کار مؤلف در این قسمت آن است که بعضی از شاخص‌های طراحی شده بسیار خرد و روبنایی هستند - مثلاً اخذ وام از منابع خارجی - حال آن که برای تقسیم‌بندی باید به

این ملاحظه منجر می‌شود که ما به هر دیدگاهی استقلال بدهیم و وحدت مورد نیاز تحلیل را مخدوش سازیم.

فهرست جناحها و احزاب و گروههای موجود به دسته‌های بسیار زیادی تقسیم می‌شود و حالت وحدت و انسجام مورد نظر حاصل نمی‌آید. عدم رعایت

● فصلنامه: جناب آقای دکتر جلالی پیش‌داورها و ارزشهای سیاسی مؤلف تا چه میزان در این کار پژوهشی نقش داشته‌اند؟

جناح‌های سیاسی دیگر را خارج از خط انقلاب می‌دانند... حتی مجمع روحانیون مبارز را که انشعابی از جامعه روحانیت مبارز تهران است، خارج از اصول اسلامی می‌دانند.

۳- در جای دیگری می‌نویسند: «این جناح نگرش مطلق دارد و دیدگاه جناح‌های دیگر را انحراف از اصول اسلام می‌داند.»

با عنایت به مورد قبل به نظر می‌رسد که نویسنده در بسیاری از موارد خود تصویری از جناحها در ذهن داشته و با این قضاوت پیشینی به دنبال جمع‌آوری کد و اثبات آن مفاهیم ذهنی خود بوده است. موارد ذکر شده خود حکایت از همین معنا دارد و برای همین هم‌هرکدی را که اثبات‌کننده نظریه نویسنده بود به استخدام درمی‌آورد ولو آن که گفته حاشیه‌ای یک فرد متوسط یک جناح باشد آن هم در یک بولتن؛ مثلاً جناح راست را مخالف مدرنیسم می‌دانند و منبع آن را مجموعه موضع‌گیریهای این

● دکتر جلالی: علیرغم این که در مقدمه کتاب متذکر شده‌اند که در صدند فارغ از برداشتهای شخصی به یک کار صرفاً علمی همت می‌گمارند لیکن کاملاً هویدا است که این نوشته یک کار جانبدارانه می‌باشد؛ اولاً: با مقدمه‌ای که جناب آقای دکتر زیباکلام بر این کتاب نوشته‌اند خط سیر کتاب تا حدود زیادی مشخص شده است. زیرا مقدمه ایشان کاملاً گویای یک دلیستگی به یک جریان و جناح می‌باشد. ثانیاً: قضاوتهای شخصی در جای جای این کتاب دیده می‌شود که در ذیل به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

۱- آن جا که اختلافات درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را مطرح می‌کنند می‌نویسند: «جناحی که برای حجت الاسلام راستی ولایت تام قائل و معتقد به تبعیت کامل از ایشان بود...»

۲- در جایی در خصوص جناح راست می‌گوید: «از سویی دیگر با توجه به نگرش مطلق که این جناح دارد و دیدگاههای دیگر را باطل می‌دانند... این جناح،

● فصلنامه: جناب آقای دکتر دهشیری با توجه به اشکال وارده بر ساختار کلی کتاب جناب عالی چه تقسیم‌بندی‌ای را پیشنهاد می‌کنید.

● دکتر دهشیری: از حیث تاریخی از پیروزی انقلاب تا سال ۶۱ در جامعه ما شکاف ایدئولوژیک فعال بوده و لذا جناحهای موجود به دو گروه مکتبی و لیبرال (یا غربزدگان) تقسیم شده‌اند. از ۶۱ تا ۶۸ شکاف اقتصادی فعال شده و شاهد تولد دو جناح چپ و راست می‌باشیم. از سال ۶۸ موضوع مدرنیته مطرح می‌شود و ما شاهد موضوع‌گیریهای مختلف در

باب سنت و مدرنیته هستیم. از این رو گروه‌ها نیز به سنتی و مدرن تقسیم می‌شوند. از خرداد ۷۶ موضوع تکثرگرایی و تمرکزگرایی را داریم که تقسیم‌بندی تازه‌ای را می‌طلبد. نتیجه آن که چند شاخص اصلی برای تقسیم‌بندی جناحها لازم است: اقتصاد (بازار آزاد یا مخالف آن) اجتماع (سنت و مدرنیته)، سیاست (تمرکز یا تکثر).

● فصلنامه: با تشکر از آقایان دکتر دهشیری و جلالی که وقت خود را در اختیار دفتر فصلنامه قرار داده و با بیان دیدگاههای انتقادی خود زمینه مناسبی را برای طرح هرچه بهتر این موضوع در جامعه علمی ما فراهم آوردند.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی